

# اکباتان

\*نویسنده: استواروت. می. براؤن\*

ترجمه‌ی: رضا دستجردی

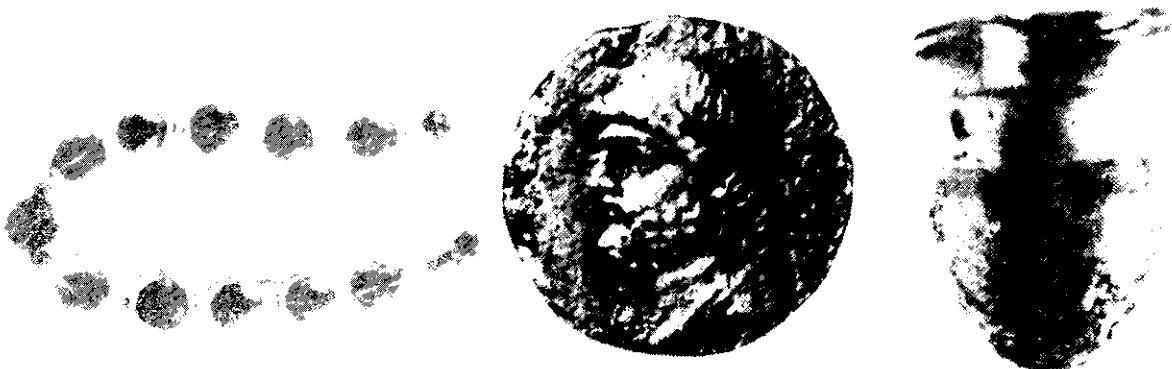
## دوره‌ی هخامنشی

بنادر بود) برپا کرد.  
در دنیای باستان، اکباتان از نقطه‌نظر ثروت فراوان و معماری سلطنتی باشکوه، شهرهای آفاق بود؛ هرچند که بر اساس گفته‌های الیان، قصرهای هنری باشکوه‌تر بودند. جزئی ترین و شاید قابل اعتمادترین کیمی و نگاشته‌ی باستانی در مورد این شهر، مربوط به پولیبیوس است که محدوده‌ی کاخ سلطنتی را با داشتن فضایی با تقریباً هفت محوطه توصیف می‌کند؛ فضایی برابر با تمام هگمتانه. چوب سد و چوب‌های درخت‌های سرو، با پوشش‌هایی از طلا و نقره به کار رفته بودند و سقف نیز با سفال‌هایی از جنس نقره پوشانده شده بود. این ادعای ژرف‌فوم که دانیال پیامبر کاخی باشکوه و مجلل در اکباتان بنادر و مقبره‌های شاهان مادی، هخامنشی و پارتی که توسط روحانیان یهود پاس داری می‌شد، در آن قرار داشت، کاملاً خیالی است.

اسکندر مقدونی، دوبار از شهر بازدید کرد. در بهار سال ۳۳۰ پیش از میلاد، او به دنبال فتح و تصرف وحشیانه‌ی تخت جمشید و پاسارگاد و در تعقیب داریوش، به اکباتان رفت. پارمنیو، جانشین نظامی اسکندر، برای سرپرستی و سرکشی به ارتباطات لشکریان در آن‌جا ماند، اما مدت زمان کوتاهی پس از آن، در آن‌جا به قتل رسید.

استناد، مدارک و تاریخچه‌ی «نبونیدوس» در اوایل قرن ششم پیش از میلاد این گونه نشان می‌دهد که کوروش کبیر، پدر زنش آستیاگس، آخرین امپراتور سلسله‌ی ماد را شکست داد و گنجینه‌ی وی را به «انشان» منتقل کرد. کوروش و جانشینان وی، از اکباتان به عنوان پایتخت تابستانی و خزانه‌ی سلطنتی بهره می‌جستند. غالباً فرض می‌شود که شهر مرکز بایگانی سلطنتی نیز بوده است، چون دستور کوروش مبنی بر بازسازی معبد اورشلیم در آن‌جا یافت شد. اما در حقیقت هیچ منبعی بر وجود بایگانی در آن‌جا دلالت ندارد. از ادعاهای پلیتی که اکباتان به مگی‌ها تعلق داشت هم، مطلب خاصی برداشت نمی‌شود.

در ۵۲۱ پیش از میلاد، داریوش بزرگ در آن‌جا ماند تا فراورتیش (فارواتس)، مدعی تاج و تاخت مادی دست گیر شد و او را برای محاکمه و سپس اعدام، به شهر بازگرداندند. رشد و گسترش مجموعه‌های سلطنتی در امپراتوری هخامنشیان، لوح‌های داریوش بزرگ و حجاری‌های اردشیر دوم روی ستون‌ها و در شوش مشهود است و تصور می‌شود، پایتخت وی شوش بوده است. برسوس معتقد است که اردشیر -احتمالاً اردشیر دوم - نیز یک مجسمه‌ی «آناهیتا» در اکباتان (همان گونه که در دیگر شهرهای بزرگ و عمدۀ امپراتوری



گردن بند از جنس عقیق، لا جورد، خمیر شیشه و نقره  
منطقه سنج شیر همدان

سکه ی فرهاد دوم پادشاه اشکانی  
منطقه سنج شیر همدان

ظرف سنالی قهقهه ای مایل به سرخ  
 محل کشف: منطقه سنج شیر همدان

اپیفانیوس، پس از او نام شهر را به اپیفانیا تغییر داد. این شاید همان چیزی بود که پلینی آرزو داشت. تیمارخوس، ساتراپ ماد که در مقدمه‌ی کتاب پمپئوس تروگووس خود را پادشاه ماد خوانده است، بر ضد دمتریوس اول شورید و همانند دمتریوس اول و جانشیش اسکندر بالا، در اکباتان به نام خود سکه زد.

#### دوره‌ی پارتیان

کتیبه‌ی یونانی روی مجسمه‌ی هراکلس در بیستون که به تاریخ ۴۸ پیش از تاریخ بازمی‌گردد، هم‌جان به کثیرون به عنوان ساتراپ ایالت‌های بالا‌دست (ماد) اشاره دارد. این کتیبه روشن می‌کند که ماد و اکباتان تا سال ۱۴۷ به دست میتراداتس اول، پادشاه پارتی نیفتادند. تلاش آنتیوخوس هفتم در سال ۱۳۰ برای احیای قدرت سلوکیان در ایران، احتمالاً در اکباتان همانند تهاجم تیگرانس دوم ارمنی در سال‌های پایانی حکومت میتراداتس دوم، متوقف شده است. حکام پارتی به استفاده و بهره‌برداری از اکباتان به عنوان اقامتگاه سلطنتی تابستانی و ضراب خانه‌ی سلطنتی ادامه دادند. از بنای‌های پارتیان در شهر، قلعه‌ی نظامی مصلاخت.

#### دوره‌ی ساسانیان

اکباتان تا سال ۲۲۶ میلادی در دوره‌ی پارتیان مورد توجه بود تا آن که «آتروپاتن» (آذربایجان امروزی) تا شمال توسط اردشیر اول به تصرف درآمد. مدارک ضد و نقضی در مورد استفاده از اکباتان به عنوان یک اقامتگاه سلطنتی تابستانی در این دوره وجود دارد. طبق نوشته‌های ابن‌الفقیه، بنای‌های ساسانیان، در حدفاصل پایتخت در تیسفون و کوه‌الوند و نه آن سوی آن، و نه حتی در همدان قرار داشت. شهر اندکی پس از جنگ نهادن، در سال ۶۴۲ میلادی سقوط کرد و پس از آن به یک مرکز ولایتی تبدیل شد.

مأخذ

پیش از ادامه‌ی پیشوای اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و اباسته کرد و بخش عمله‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسپ اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپیوس» را ویران کرد. الیان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

در سال ۳۲۸ پیش از میلاد، اسکندر اوکسیداتس را، «ساتراپ ماد» کرد. با مرگ اسکندر در سال ۳۲۳، پرديکاس، ساتراپ جنوب مادر را که اکباتان را نیز شامل می‌شد، به پیتون مقدونی داد که بعد از توسط آنتیگونوس اعدام شد و اورونتوپاتس ایرانی جانشین او شد. کوک معتقد است که جایگاه ساتراپ به جای اکباتان، ممکن است کاخی بوده باشد که آنتیگونوس در سال ۳۱۶ زمستان را آن جا به سر برد. از نوشته‌های کاراکس اینگونه برداشت می‌شود که کاخ در دره‌ی اسدآباد در غرب کوه‌الوند بود. به هر حال، این مکان زمانی که معابر الوند پوشیده از برف و مسدود می‌شد، پایگاه زمستانی برای کنترل آمد و شده‌ای به غرب بوده است.

شهر بعداً به دست نیکاتور سلوکوس اول افتاد (۳۰۵ تا ۲۸۱ پیش از میلاد) که همان روش آنتیگونوس را در غارت طلاها و نقره‌های شهر در پیش گرفت. به هرحال، طبق نوشته‌های پلینی، وی هم چنین کوشید تا شهر اهمیت پیشین خود را بازیابد. در زمان آنتیوخوس سوم (۲۲۶ تا ۱۸۷ پیش از میلاد) معبد آناهیتا هم چنان ستون‌هایی از جنس طلا داشت. درون معبد هم با کاشی‌های نقره‌ای و آجرهایی از جنس سکه‌های سلطنتی با ارزش تقریبی ۴۰۰۰ تالان را برای انباشتن دوباره‌ی خزانه‌ی تهی شده‌اش ضرب کرد. در راستای برنامه و طرح وی برای هلنیستی و یونانی کردن پادشاهی، آنتیوخوس ششم،